



Paper type:  
Research paper

## Abstract

### Understanding the Educational (Practical) Implications of the Idea of Mulla Sadra's Four Journeys\*

■ Zahra Lahabi<sup>1</sup> ■ Mohammad Hassan Karimi<sup>2</sup> ■ Saeed Rahimian<sup>3</sup>  
■ Farhad Khormaei<sup>4</sup> ■ Babak Shamshiri<sup>5</sup>






- **Objective:** The purpose of the present research is to understand the educational (practical) implications of the idea of Mulla Sadra's Four Journeys.
- **Method:** This research was conducted under the qualitative paradigm. The research method is the hermeneutic method, and the data collection method is the documentary method.
- **Findings:** In this research, in the findings section, practical aspects and educational implications of Mulla Sadra's Four Journeys are proposed in specific spheres and under various titles including (1) understanding education as a 4-stage journey or 4 journeys with two divine and public directions (a guide for educational researchers), (2) presenting an educational method using Mulla Sadra's 4-stage logic of Four Journeys in accordance with the idea of Mullah Sadra's self-evolution (model of teacher training) and (3) designing objective journeys corresponding to the spiritual and intellectual journeys of those under education as the training method (practical guide for educators). In other words, in the structural sphere, using the metaphor of 'education as journey', Mulla Sadra's idea of Four Journeys was introduced as the idea in the direction of educational research so that it may serve as a practical guide for researchers in the sphere of education. In the methodological sphere, the idea of 'necessary of correspondence of objective, spiritual and intellectual journeys' was proposed; and in the meeting point of the two ideas with the content of Mulla Sadra's philosophy, especially his idea of self-evolution, the 'educational method using the four phase logic of Mulla Sadra's Four Journeys' was presented.
- **Conclusion:** Educational (practical) implications of the idea of Mulla Sadra's four Journeys (*Asfār Arba'a*) based on the central idea of "correspondence of Sadra's Four Journeys and the stages of self-development from his point of view", are drawn in two special areas of the practical guide for educators and the educational guide for scholars.

**Keywords:** Educational implications, Four Journeys, Mulla Sadra.

■ **Citation:** Lahabi, Z, Karimi, M, Rahimian, S. (2023). Understanding the Educational (Practical) Implications of the Idea of Mullah Sadra's Four Journeys, *Applied Issues in Islamic Education*, 7(3): 119-140

**Received:** 2022/10/10 **Revised:** 2022/12/12 **Accepted:** 2022/12/21 **e-Published:** 2023/01/11

\* This article is extracted from a doctoral dissertation in the field of philosophy of education at Shiraz University, entitled "Understanding Education as a Journey According to the Idea of Mullah Sadra's Four Pilgrimages", under the supervision of Dr. Mohammad Hassan Karimi and Saeed Rahimian.

1. PhD student of philosophy of education, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
**Email:** zahralahabi@yahoo.com  0000-0002-8856-7372
2. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Education and Training, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
**Email:** Sd.rahimian@gmail.com  0000-0002-5567-8324
3. Professor of the Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
**Email:** karimivoice@gmail.com  0000-0002-9625-8301
4. Associate Professor of the Department of Education Psychology, Faculty of Educational and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
**E-mail:** khormaei@shirazu.ac.ir  0000-0001-9357-7068
5. Associate Professor in the Department of Foundations Education Psychology, Faculty of Educational and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
**E-mail:** bshamshiri@gmail.rose.shiraz.ac.ir  0000-0003-3455-7504



# فهم دلالت‌های تربیتی (کاربردی) ایده‌اسفار اربعه ملاصدرا<sup>۱</sup>

■ زهرا الهبی\* ■ محمدحسن کریمی\*\* ■ سعید رحیمیان\*\*\* ■ فرهاد خرمایی\*\*\*\* ■ بابک شمشیری\*\*\*\*\*

## چکیده

- هدف: هدف اصلی این پژوهش، فهم دلالت‌های تربیتی (کاربردی) ایده‌اسفار اربعه ملاصدرا است.
- روش: این پژوهش در ذیل پارادایم کیفی صورت پذیرفته است. روش پژوهش روش هرمنوتیک، و روش گردآوری داده‌ها، روش اسنادی می‌باشد.
- یافته‌ها: در این پژوهش در بخش یافته‌ها، وجوه کاربردی و دلالت‌های تربیتی اسفار اربعه صدراپی در قالب تیتورها و عناوین مشخص در زمینه‌های گوناگون: ۱. فهم تربیت به مثابه یک سفر چهارمرحله‌ای یا چهار سفر با دو جهت حقی و خلقی (راهنمای تربیت پژوهان)؛ ۲. ارائه روش تربیتی با استفاده از منطق چهار مرحله‌ای اسفار اربعه صدراپی در تناظر با ایده تکامل نفس ملاصدرا (الگوی تربیت مربی) و ۳. طراحی سفرهای عینی متناظر با سفرهای روحی و فکری در متربیان به مثابه روش تربیتی (راهنمای عمل مربیان) مطرح شده‌اند. به تعبیری در ساحت ساختاری، استفاده از استعاره «تربیت به مثابه سفر» و خاصه ایده سفرهای چهارگانه و چهارمرحله‌ای ملاصدرا به عنوان ایده‌ای جهت تربیت پژوهی معرفی گردید تا راهنمای عمل پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت باشد. در ساحت روشی ایده «ضرورت تناظر سفرهای عینی، روحی و فکری» مطرح گردید و در تلاقی دو ایده با محتوای فلسفه صدراپی به ویژه ایده تکامل نفس او، «روش تربیتی با استفاده از منطق چهار مرحله‌ای اسفار اربعه صدراپی» ارائه گردید.



□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ □ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه شیراز با عنوان «فهم تربیت به مثابه سفر با توجه به ایده‌اسفار اربعه ملاصدرا» با راهنمایی دکتر محمد حسن کریمی و سعید رحیمیان است.

□ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

E-mail: zahralahabi@yahoo.com ID 0000-0002-8856-7372

□ نویسنده مسئول: استادیار گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

E-mail: karimivoice@gmail.com ID 0000-0002-5567-8324

□ استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

E-mail: Sd.rahimian@gmail.com ID 0000-0002-9625-8301

□ دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

E-mail: khormaei@shirazu.ac.ir ID 0000-0001-9357-7068

□ دانشیار گروه آموزش و پرورش دبستانی و پیش‌دبستانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

E-mail: bshamshiri@gmail.rose.shiraz.ac.ir ID 0000-0003-3455-7504

● نتیجه‌گیری: دلالت‌های تربیتی (کاربردی) ایده‌ اسفار اربعه ملاصدرا براساس ایده‌ محوری "ناظر اسفار اربعه صدرايي و مراحل تکامل نفس از منظر او"، در دو حیطه ویژه راهنمای عمل مربیان و راهنمای تربیت پژوهان ترسیم می‌شود.

### واژه‌گان کلیدی: دلالت‌های تربیتی، اسفار اربعه، ملاصدرا

## مقدمه

مسئله اصلی پژوهش به استخراج ظرفیت‌ها و دلالت‌های تربیتی ایده اسفار اربعه ملاصدرا باز می‌گردد. «اسفار اربعه»، که امروزه در مباحث حکمت و عرفان مشهور است، همان تقریری است که ملاصدرا (۹۸۰) در ابتدای کتاب الاسفار الاربعه نقل کرده و در برخی آثار خود، آن را تشریح کرده است. این اسفار عبارت‌اند از: ۱. السفر من الخلق الی الحق؛ ۲. السفر فی الحق بالحق؛ ۳. السفر من الحق الی الخلق بالحق؛ ۴. السفر فی الخلق بالحق. (حسن‌زاده، ۱۳۹۰)

خانی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی منطق اسفار اربعه ملاصدرا و استفاده از آن برای ارائه الگویی فراگیر و نوین در تبیین مراحل اندیشه عقلانی»، با اشاره به پیشینه اسفار اربعه عرفانی به بررسی منطق موجود در آن می‌پردازد و پس از روشن شدن چیستی اسفار اربعه عرفانی اثبات می‌کند که مراحل اندیشه‌ورزی مطلوب در حل هر مسئله علمی می‌تواند شامل مراحل کاملاً مشابه با اسفار اربعه عرفانی باشد. در این مقاله پس از تبیین تفصیلی این مشابهت، اسفار اربعه اندیشه در حکمت صدرايي و همچنین اسفار اربعه اندیشه در مسئله انسان‌شناسی به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن به تبیین برخی از احکام عمومی الگوی اسفار اربعه در حیطه اندیشه‌ورزی و مزیت‌های آموزشی استفاده از این الگوی خاص پرداخته می‌شود. (خانی، ۱۳۹۷).

فهیم (۱۳۹۴) در مقاله «شناخت تربیت فلسفی انسان از دیدگاه ملاصدرا» این طور بیان می‌کند: «ملاصدرا معتقد است همان‌طور که هر جوهری در ذات خود متحرک است، نفس نیز به‌عنوان یکی از انواع جواهر، دارای این نوع حرکت است و از پایین‌ترین مراتب خود به‌سوی کمال جوهری خود، حرکت می‌کند تا این که به‌تدریج به بالاترین مراتب جوهری خویش ارتقا می‌یابد. حرکت جوهری از اساسی‌ترین مفاهیمی است که ملاصدرا مطرح کرده و سیر استکمالی نفس را بر آن طراحی نموده که این نظریه مبنای

بسیاری از اصول تربیتی است.». ملاصدرا حتی تعریف مفهومی «فلسفه» را هم در ذیل «استکمال نفس» ارائه می‌کند و درخصوص فلسفه می‌فرماید: «فلسفه، استکمال نفس انسانی است به واسطه معرفت حقیقت موجودات و تصدیق به وجود آن‌ها از روی تحقیق نه ظن و تقلید. غایت آن نیز تشبیه به باری تعالی و متعلق شدن به اخلاق الهی است» (فهم، ۱۳۹۴)

در اندیشه ملاصدرا به وفور واژگانی یافت می‌شود که ناظر به تلقی سفرگونه او از تربیت است. استعمال واژگانی چون «استکمال نفس» و «مقولات مرتبط با رشد و کمال»، «اسفار اربعه»، «سیر و سلوک»، «حرکت جوهری»، «مراتب نفس»، «صیورورت» همه گواه این مدعاست که *او حقیقت تربیت و کمال نفس آدمی را ذیل مفاهیمی چون سفر و حرکت می‌جوید*. پیش از ملاصدرا نیز کسانی بوده‌اند که تربیت را در نسبت با حرکت و سفر می‌جویند و حتی درنسبت با ایده‌اسفار اربعه عرفانی می‌جویند. خواجه نصیر الدین طوسی، از جمله نخستین کسانی است که تربیت را تلویحاً به مثابه حرکت و سفر مورد توجه قرار می‌دهد. او در کتاب خود با عنوان اوصاف‌الاشراف، حرکت معنوی را به شش باب تقسیم کرده است: باب نخست در مبدأ حرکت است و آنچه از آن چاره نباشد (مانند: ایمان، ثبات و صدق)؛ باب دوم در رفع موانع سیر و سلوک (به‌وسیله توبه، زهد، ریاضت و غیره)؛ باب سوم در احوال سالک در طی سیر و سلوک (مانند: خلوت، تفکر، خوف و رجا)؛ باب چهارم در حالات ملازم و مقارن (مانند: ارادت، شوق و محبت)؛ باب پنجم در حالات سانح شده برای امر اهل وصول (مانند: توکل، رضا و توحید)؛ باب ششم در نهایت سیر و سلوک (فنا). (رحیمیان، ۱۳۹۷: ص ۸۹).

همچنین او در مورد رشد و سیر تکاملی تربیت می‌گوید: «هر موجودی را کمالی است و کمال بعضی از موجودات با وجود مقارن افتاده است و کمال بعضی از موجودات، متأخر از وجود ایشان است و هرچه کمال او از وجود متأخر بود، هر آینه او را حرکتی بود از نقصان به کمال.» (فراہانی به نقل از طوسی، ۱۳۶۰).

اعرافی، موسوی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی» در پیروی از خواجه نصیرالدین طوسی، این تطبیق را به نحو دقیق انجام داده است. او فرآیند تربیت را قابل تطبیق بر «حرکت فلسفی» دانسته و بر این باور است که می‌توان تمامی عناصر «حرکت» را بر تربیت تطبیق داد.

پاپی، هاشمی، ولوی و صفایی مقدم (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی»، در استخراج اصل هفتم تربیتی، به فهم تربیت به عنوان نوعی تغییر تدریجی و انسان به عنوان موجودی محرک تأکید می‌نمایند. سلطان احمدی، کیهان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیتدینی در دوره پیش دبستانی»، با تأکید به تعریف تربیت به حرکت به معنای خروج از قوه به فعلیت، این شکوفایی و بالفعل شدن را در ساحات گوناگون جنبه‌های گوناگون شخصیتی یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، ممکن می‌بینند. غلامی، حسینی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بازنمایی تجربه زیسته والدین از چگونگی پاسخدهی به سؤالات دینی فرزندان مقطع ابتدایی»، به مرحله‌ای بودن رشد و حرکت تربیتی از کودکی به نوجوانی و بزرگسالی اشاره می‌نمایند و بررسی آراء صاحب‌نظران در این زمینه می‌پردازند.

با توجه به ظرفیت‌های فهم تربیت در رابطه و نسبت با مفاهیمی چون حرکت و سفر و نگاه خاص ملاصدرا به ایده اسفار اربعه به مثابه ایده‌ای ناظر به سیر و سلوک و حرکت انسان، مسئله و پرسش اصلی این پژوهش حول استخراج دلالت‌های تربیتی اسفار اربعه صدرایی تعریف شده است. چنان‌که ملاحظه شد در پژوهش‌های پیشین به ایده اسفار اربعه به‌طور جداگانه پرداخته شده است؛ و کمتر به آن در ربط مستقیم با مفهوم تربیت توجه شده است و پیش از این، ایده اسفار اربعه صدرایی به‌طور خاص به عنوان یک ایده تربیتی مورد توجه قرار نگرفته است و دلالت‌های تربیتی آن استخراج نشده است. در واقع به چهار مرحله‌ای بودن مراتب استکمال نفس و سفرهای چهارگانه صدرایی بدون ربط مشخص و واضح آن‌ها با مضامین تربیتی و درک حقیقت تربیت به مانند سفر و حرکت توجه شده است به نحوی که موضوع دلالت‌های تربیتی اسفار اربعه صدرایی کمتر مورد توجه پژوهشگران پیشین بوده است. به عنوان مثال در مقاله خانی (۱۳۹۷)، که معطوف به مراحل چهارگانه اندیشه‌ورزی با توجه به منطق چهارگانه اسفار اربعه بود، تنها بعد آموزشی و عقلانی - شناختی ظرفیت‌های اسفار اربعه مورد توجه قرار گرفته و از نسبت کلی آن با امر تربیت و دلالت‌های تربیتی غفلت شده است. با توجه به این خلاء پژوهشی، در این پژوهش بناست تا ایده «اسفار اربعه»ی ملاصدرا به عنوان یک ایده تربیتی مورد توجه قرار گیرد و دلالت‌های تربیتی آن استخراج گردد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع طرح، کیفی از نوع هرمنوتیک مؤلف محور است. در هرمنوتیک مؤلف محور، نقش بارز از آن مؤلف است. در این شیوه، تأویل گر علاوه بر تفسیر دستوری باید تفسیر فنی یا روان‌شناختی را نیز به کار گیرد. یعنی از راه مطالعه زندگی‌نامه و آثار مؤلف و این که در چه دوره و زمانه‌ای می‌زیسته است، به ذهنیت او پی برد و به کمک‌ها آن معنای متن (اثر مؤلف) را دریابد (واعظی، ۱۳۸۶: ۹۱).

در پژوهش پیش رو، **گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها** با اتکا به اسناد موجود در زمینه ایده‌اسفار اربعه ملاصدرا در نسبت با سایر آراء او صورت گرفته است. بدین صورت که **محققان خود به عنوان ابزار تحقیق** با مراجعه به اسناد و مدارک که شامل نوشته‌ها و تحلیل‌های انجام گرفته پیرامون تربیت در آثار ملاصدرا است؛ تربیت را به مثابه سفر در همسفری مرتبی و متربی درک می‌نمایند و در این مسیر از اسفار اربعه ملاصدرا (محور نمونه پژوهش) بهره می‌برند. شایان ذکر است که محققان سعی می‌کنند تا با مقایسه مستمر داده‌ها به مجموعه مقوله‌های مورد نظر دست یابند و به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، با توجه به قاعده حداقل تنوع و رعایت اصل اشباع‌شدگی در انتخاب نمونه عمل کنند. محققان با رفت و برگشت و مقایسه مستمر میان داده‌ها، به دلالت‌های تربیتی مستخرج از اسفار اربعه ملاصدرا دست می‌یابند. همچنین در پرتو این روش تفسیری-هرمنوتیکی، درک استعاره‌ی تربیت به مثابه سفر با تفسیری میان‌باختی با توجه به منابع مختلف دینی، عرفانی، فلسفی محقق می‌گردد. امید است پژوهش پیش رو با دستاوردهای روشی‌ای که می‌تواند داشته باشد؛ محققان را به وضعیت روشی مطلوب و کشف روش‌های نوین در فهم تربیت هدایت کند. روش مذکور شاید شبیه روش خاص ملاصدرا در کتاب اسفار اربعه باشد. در واقع در پاسخ به پرسش پژوهش، با مطالعه کلی اسفار اربعه ملاصدرا به عنوان نمونه هدف، ظرفیت‌های آن را در ارائه دلالت‌های کاربردی تربیتی می‌سنجیم.

تحقیق هرمنوتیکی پدیدارشناختی با استفاده از دیدگاه هوسرل در بررسی پدیده‌های تربیتی از قبیل رابطه معلم و شاگرد، تحلیل فرآیند تدریس، تبیین چپستی و چگونگی یادگیری راهگشاست (رهنما، ۱۳۹۱: ۶۱) در این پژوهش با به کارگیری روش هرمنوتیک مؤلف محور، نقش اصلی به مؤلف اسفار اربعه یعنی شخص صدرالمتألهین داده شده است.

به این صورت که با مطالعه و تمرکز بر زندگی نامه و تناظر و ترتیب سفرها و آثار ملاصدرا (چنان که بخشی از آن پیش از این در مقدمه ذکر شد. به تعبیری با تلقی هرمنوتیکی مؤلف محور با توجه به دوره و زمانه زیست ملاصدرا به ذهنیت او پی برده شد و دلالت های تربیتی و کاربردی اسفار اربعه (به عنوان متن مؤلف) از مسیر بررسی تجربه های زیسته و اسفار اربعه شخصی ملاصدرا، فهم گردید. لازم به ذکر است با توجه به محوریت شخص ملاصدرا و رویکرد هرمنوتیکی مؤلف محور، در مسیر گردآوری داده ها از اسناد و متون معطوف به دیدگاه ها و زندگی نامه او استفاده شده و با بررسی توأمان و متناظر این متون فهم کلی حاصل شده است.

### یافته های پژوهش

در این بخش ابتدا دلالت های تربیتی کاربردی ایده اسفار اربعه به صورت تیتروار ذکر می گردند و سپس به تشریح و توضیح هر یک خواهیم پرداخت. به جهت تفکیک مقدمات هر قسمت از نتایج آن بخش، در ذیل هر تیتروار دو عنوان مقدمات بحث و نتایج بحث آورده شده است.

۱. فهم تربیت به مثابه یک سفر چهار مرحله ای یا چهار سفر با دو جهت حقی و خلقی (راهنمای تربیت پژوهان)
۲. ارائه روش تربیتی با استفاده از منطق چهار مرحله ای اسفار اربعه صدرایی در تناظر با ایده تکامل نفس ملاصدرا (راهنمای عمل مربیان)
۳. طراحی سفرهای عینی متناظر با سفرهای روحی و فکری در مربیان به مثابه روش تربیتی (راهنمای عمل مربیان)

### ۱. فهم تربیت به مثابه یک سفر چهار مرحله ای یا چهار سفر با دو جهت حقی و خلقی

#### مقدمه بحث:

با نظر به ایده اسفار اربعه ملاصدرا در می یابیم که نوعی تلقی سفر گونه و مبتنی بر سیر و سلوک از تربیت و روند تکامل انسان در نظر داشته است چنان که در مقدمه کتاب اسفار بعد از شرح مراحل سیر و سلوک عرفانی - فلسفی خود، در تطبیق اسفار تکوینی و اسفار تدوینی خویش، این گونه بیان می کند:



«بدان که سالکان از عارفان و اولیای الهی را چهار سفر است: نخست سفر از خلق به حق، دوم سفر در حق - به حق (جهت حق) -، سوم که مقابل اول است از حق به خلق - به حق - چهارم که از وجهی مقابل دوم است سفر در خلق - به حق - (جهت حق) می‌باشد. لذا این کتابم را طبق حرکات اینان (سالکان از عارفان و اولیای الهی) در انوار و آثار، بر چهار سفر ترتیب دادم و به نام: «حکمت متعالی در سفرهای چهارگانه عقلی نامیدم» (ملاصدرا صدرالمآلهین، ۱۳۷۸: ۱۶).

چهار مرحله‌ای دیدن حرکت و سفرهای معرفتی و تربیتی انسان‌ها توسط ملاصدرا نگارندگان و همچنین ایده تشبیه تربیت به سفر یا از زاویه دیگر این همانی سفر، تربیت و حرکت و انطباق عناصر و ارکان تربیتی با ابعاد مختلف سفر (مثل همسفر، موانع سفر، مسافر، مسیر سفر، مسافت سفر) به پیش از ملاصدرا و ذخایر عرفانی ما باز می‌گردد. شایان ذکر است برخی اندیشمندان معاصر از جمله اعرافی و موسوی (۱۳۹۱) نیز به احیای این ایده پرداخته‌اند. اعرافی و موسوی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی» این تطبیق را به نحو دقیق انجام داده است. او فرآیند تربیت را قابل تطبیق بر «حرکت فلسفی» دانسته و بر این باور است که می‌توان تمامی عناصر «حرکت» را بر تربیت تطبیق داد. بدین معنی که تربیت نیز همانند حرکت:

۱. مبدایی دارد که وضعیت آغازین مرتبی است؛

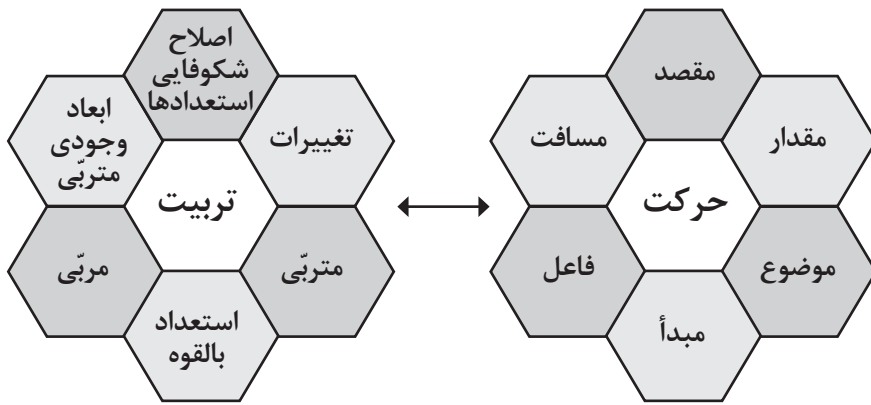
۲. به نهایت و مقصدی ختم می‌شود که همان شکوفایی استعدادها و اصلاح صفات و رفتار ناشایست است؛

۳. مقداری دارد که همان مقدار تغییرات حاصل شده در وجود مرتبی است که با زمان سنجیده می‌شود؛

۴. دارای موضوعی به نام انسان مرتبی است؛

۵. محرک و فاعلی در تحقق آن سهم دارد که انسانی دیگر به نام مرتبی است؛

۶. و سرانجام تربیت مانند حرکت در مسافت نمود می‌کند که همان ابعاد وجودی مرتبی است که مورد تغییر و تحول قرار می‌گیرد، هر چند مسافت در تربیت با مسافت در حرکت به‌طور کامل تطابق ندارد.



شکل ۱. تطبیق عناصر حرکت فلسفی بر تربیت

او در مقاله این گونه نتیجه گیری می کند که: «با توجه به تحلیل فلسفی تربیت و تطبیق آن بر مفهوم حرکت، می توان آن را بدین صورت تعریف کرد: تربیت عبارت است از «فرآیند یاری رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگری (مربی) به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعداد های او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می گیرد. با چنین تطبیقی روشن شد که مقولات حرکت همان ساحت های تربیت اند و دامنه فعالیت های تربیتی روشن شد.» (اعرافی، موسوی، ۱۳۹۱: ۷-۲۸).

درواقع در اندیشه ملاصدرا به وفور واژگانی یافت می شود که ناظر به تلقی سفرگونه او از تربیت است. استعمال واژگانی چون «استکمال نفس» و «مقولات مرتبط با رشد و کمال»، «اسفار اربعه»، «سیر و سلوک»، «حرکت جوهری»، «مراتب نفس»، «صیوررت» همه گواه این مدعاست که او حقیقت تربیت و کمال نفس آدمی را ذیل مفاهیمی چون سفر و حرکت می جوید.

فهییم، عظیمی و دولت آبادی (۱۳۹۴) در مقاله «شناخت تربیت فلسفی انسان از دیدگاه ملاصدرا» به نقل از زکوی (۱۳۸۳) این طور بیان می کند: «ملاصدرا معتقد است همان طور که هر جوهری در ذات خود متحرک است، نفس نیز به عنوان یکی از انواع جواهر، دارای این نوع حرکت است و از پایین ترین مراتب خود به سوی کمال جوهری

خود، حرکت می‌کند تا این که به تدریج به بالاترین مراتب جوهری خویش ارتقا می‌یابد. حرکت جوهری از اساسی‌ترین مفاهیمی است که ملاصدرا مطرح کرده و سیر استکمالی نفس را بر آن طراحی نموده که این نظریه مبنای بسیاری از اصول تربیتی است.<sup>۱۱</sup> ملاصدرا حتی تعریف مفهومی «فلسفه» را هم در ذیل «استکمال نفس» ارائه می‌کند و درخصوص فلسفه می‌فرماید: «فلسفه، استکمال نفس انسانی است به واسطه معرفت حقیقت موجودات و تصدیق به وجود آن‌ها از روی تحقیق نه ظن و تقلید. غایت آن نیز تشبه به باری تعالی و متعلق شدن به اخلاق الهی است» (فهیم و همکاران، ۱۳۹۴)

### نتیجه بحث (دلالت کاربردی برای تربیت پژوهان):

فهم تربیت به مثابه سفر و انطباق عناصر و ارکان تربیتی با ارکان و عناصر حرکت و سفر با توجه به منطق چهارمرحله‌ای اسفار اربعه ملاصدرا، از تکرر واژگانی عرصه تربیت پژوهی می‌کاهد و در میان تکرر منابع معرفتی معطوف به موضوع تربیت، نوعی هم‌زبانی را میسر می‌نماید. به نحوی که تربیت پژوهان و مربیان و متربّیان، ارکان تربیت را حول مفهومی واحد مثل سفر درک می‌کنند و تربیت را در همسفری مربّی و متربّی می‌جویند و موانع و مراحل سفر و حرکت را به‌عنوان موانع و مراحل تربیت معرفی می‌نمایند. به این ترتیب ارائه تعریف از ارکان تربیت حول محور مفهوم سفر و حرکت میسر می‌شود چنان‌که مربّی را به محرک و همسفر و متربّی را متحرک و مسافر و مسیر سفر را به‌عنوان مسیر تربیت معرفی می‌نماییم و از تعاریف کلیشه‌ای و حفظی در زمینه ارکان تربیتی پرهیز می‌کنیم. درک تربیت به مانند نوعی سفر جهت‌دار (با وساطت مفهوم حرکت)، می‌تواند الهام‌بخش انواع فعالیت‌های پژوهشی تربیتی باشد و مرحله‌ای (در اینجا چهارمرحله‌ای) دیدن آن تبیین‌کننده مراحل رشد و آموزش متربّیان در نسبت با مربّیان خواهد بود که می‌تواند جهت‌دهنده پژوهش‌های آتی باشد. در ادامه مستندات مربوطه در کشف این دلالت تربیتی که بیشتر ویژه تربیت پژوهان است آورده شده است.

در ادامه به‌نظر می‌رسد میان ایده اسفار اربعه (سفرهای چهارگانه) ملاصدرا و مراحل تکامل نفس از منظر او، تناظر و تطابقی ضمنی وجود دارد که با توجه به این تطابق می‌توان دلالت‌های تربیتی متکی به سفرهای چهارگانه تربیتی را استخراج نمود.

## ۲. ارائه روش تربیتی با استفاده از منطق چهار مرحله‌ای اسفار اربعه صدرایی در تناظر با ایده تکامل نفس ملاصدرا (راهنمای عمل مربیان)

براساس دیدگاه ملاصدرا، هنگامی که طفل به دنیا می‌آید، نفس او در درجه نفوس حیوانی است (مصلح، ۱۳۵۲: ۱۵۵) تا آنکه به بلوغ و رشد صوری برسد (پانزده سالگی) (صدرالمآلهین، ۱۳۷۱: ۹۰۷). در آن حال حیوان بالفعل و انسان بالقوه است. هنگامی که او با نیروی فکر به جستجوی حقیقت رفت، انسان بالفعل خواهد شد و اگر این نیرو در وی تکامل یافت و به سرحد رشد معنوی رسید و ملکه استنباط و فضائل انسانی در وی به نحو اکمل تحقق یافت (حدودچهل سالگی). چنین شخصی را انسان نفسانی بالفعل و ملکوتی بالقوه می‌خوانند. صدق این عنوان نیز تا زمانی است که به مرتبه تجرد کامل نرسیده باشد؛ چون نفس آدمی دگرگون پذیر است و از عالم خلق به عالم امر و مجردات منتقل می‌شود و با تحول جوهری آن، وجودش عقلی و مجرد می‌گردد که عالی‌ترین مرحله تجرد است. نفس انسانی در آغاز امر، نسبت به علوم و معارف از هر جهت بالقوه است که در این حال «عقل هیولانی» گفته می‌شود. سپس به واسطه درک اولیات به مرتبه عقل بالملکه و به واسطه درک کلیات و قدرت تفکر و استنباط، به مرتبه عقل بالفعل نائل می‌گردد؛ ولی در این حال هنوز به درجه‌ای نرسیده که همواره مستحضر همه صور عقلی و ملازم جمیع مسائل علمی باشد؛ بلکه ادراک صور عقلی و استنباط مسائل کلی در این حال، بسته به اراده نفس و توجه اوست؛ ولی هنگامی که به‌طور کلی و دائمی متوجه علم عقول کلی گردید و اتصال کامل یافت و حقایق را به چشم ملکوتی در ذات خویش یا در ذات مبدء عقلانی خود مشاهده کرد، او را «عقل بالمستفاد» نامند. در این هنگام این نوع از حیوان که در پیکر انسان ظهور نموده است، به نهایت درجه کمال انسانی نائل می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۰۷).

نوروزی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا»، مراحل و اصول تعلیم و تربیت صدرایی را با توجه به مراحل تکامل نفس از منظر ملاصدرا استخراج نموده است.

جداول ۱ و ۲ که شامل مراحل تعلیم و تربیت با توجه به تناظر اسفار اربعه ملاصدرا و مراحل تکامل نفس از منظر او را که برگرفته از جدول مراحل تعلیم و تربیت (نوروزی، ۱۳۸۹: ۱۰۴) هستند، آورده شده است.

## جدول ۱. اصول تعلیم و تربیت از منظر صدرا (نوروزی، ۱۳۸۹: ص ۵۷)

اصول تعلیم و تربیت	نظر فلسفی
<ul style="list-style-type: none"> <li>● پرورش قوای حسی</li> </ul>	جسمانیه الحدوث بودن نفس
<ul style="list-style-type: none"> <li>● استمرار تعلیم و تربیت</li> <li>● تغییر، اصلاح و بازآفرینی</li> <li>● تدریجی بودن تعلیم و تربیت</li> </ul>	حرکت جوهری نفس
<ul style="list-style-type: none"> <li>● پرورش توأم جسم و نفس</li> </ul>	رابطه اتحادی نفس و بدن
<ul style="list-style-type: none"> <li>● جامعیت</li> <li>● تناسب</li> </ul>	وجود مراتب مختلف نفس
<ul style="list-style-type: none"> <li>● تعقل</li> </ul>	روحانیه البقا بودن نفس و تجرد عقلانی مبنای کمال نفس

### تناظر اسفار اربعه با مراحل تکامل نفس در اندیشه ملاصدرا:

با توجه به آن چه بیان گردید؛ در پژوهش‌های پیشین (نوروزی، ۱۳۸۹)، به مراحل تکامل نفس و سفرهای چهارگانه (اسفار اربعه صدرايي) به‌طور جداگانه نگریسته شده است و تناظر این دو مؤلفه در راستای استخراج دلالت‌های تربیتی کاربردی و روش تربیتی کمتر مورد توجه بوده و مورد غفلت واقع شده است. بنابراین در این پژوهش درصدد هستیم تا دلالت‌های تربیتی ایده‌اسفار اربعه ملاصدرا را با توجه به تناظر سفرهای اربعه و مراحل تکامل نفس استخراج نماییم که مکمل دستاوردهای پژوهشی پیشین باشد. در شکل ۱ مدل تناظر ایده‌اسفار اربعه ملاصدرا و مراحل تکامل نفس از منظر او جهت استخراج دلالت‌های تربیتی (ساختار کلی) با توجه به پیشینه پژوهشی ارائه شده است.

**جدول ۲. مراحل تعلیم و تربیت با توجه به تناظر اسفار اربعه ملاصدرا و مراحل تکامل نفس از منظر او- برگرفته از جدول مراحل تعلیم و تربیت (نوروزی، ۱۳۸۹: ۵۷)**

نفس نباتی	انعقاد نطفه تا تولد
● مرحله تمهید (پیش از سفر و سفر اول)	● نفس حیوانی (عقل هیولانی و بالملکه)
● مرحله اعتدال و اعتلا (سفر دوم و سوم)	● انسان بالقوه (عقل بالملکه)
● حضور به عنوان مربی (سفر چهارم)	● انسان بالفعل (عقل بالفعل)
	● تجرد عقلانی

### نتیجه بحث:

(دلالیت کاربردی برای مربیان-ارائه روش تربیتی چهار مرحله ای-حسی-عقلی-دینی-عملیاتی)

در مربی می تواند با استفاده از ایده تربیت چهار مرحله ای متناسب با سنین رشدی متربی در حال تکامل از دوره پیش از سفر تا سفر چهارم، به طراحی روش تربیتی و محتوای آموزشی متناسب با وضعیت متربی در هر مرحله بپردازد. طبق مستندات که در ادامه آورده شده، مربی در روند تربیت متربی با چهار مرحله و سفر تربیتی مواجه است. تطبیق تقسیم بندی کلی دوره های تکامل نفس با سفرهای چهارگانه صدرایی و فعالیت های کلی ویژه هر دوره در پژوهش های پیشین آورده شده است؛ اما انطباق این مراحل و سفرها با سنین رشدی، پیشنهاد ویژه این پژوهش برای پژوهش های آتی است که با توجه به زندگی شخصی ملاصدرا (به عنوان یک مثال) در نظر گرفته شده است.

نوروزی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا»، مراحل و اصول تعلیم و تربیت صدرایی را با توجه به مراحل تکامل نفس از منظر ملاصدرا استخراج نموده است. دوره پیش از سفر (دوره جنینی) و دوره ویژه سفر اول (از ابتدای تولد تا ۱۵ سالگی) -با توجه به مثالی از زندگانی ملاصدرا) را دوره تمهید و آمادگی برای درک متکثرات عالم و پرورش قوای حسی و جسمانی بدن می داند. در این مرحله مربی بر حضور متربی در طبیعت و مخلوقات برای درک وجودات متکثر و استفاده از حواس پنجگانه برای مشاهدات دقیق تأکید می نماید تا متربی به تدریج، ظرفیت درک مفاهیمی چون وجود و حرکت در پس امور متکثر و به ظاهر ثابت را بیابد. در این دوره متربی

تدریجاً از حیات نباتی و حیوانی فاصله می‌گیرد و در مراحل تکامل نفس به سبک زندگی و حیات انسانی نزدیک می‌شود و از وجود و حقیقت واحد در پس امور متکثر و حرکت پرسش می‌نماید. از باب واژگان مرتبط با ایده تکامل نفس، دوره پیش از سفر و سفر اول دوره تمهید و جسمانیه‌الحدوث بودن نفس نام دارد و نفس مرتبی با هدایت مرتبی و پرورش قوای حسی به سمت روحانیه‌البقا بودن حرکت می‌نماید. در مرحله و سفر دوم وسوم (از ۱۵ سالگی تا ۴۰ سالگی) نفس از دوره تمهید عبور می‌کند و دوره اعتدال و اعتلا وارد می‌شود. مرتبی در این دو سفر به تربیت عقلی و تهذیب نفس مرتبی اهتمام می‌ورزد. مرتبی در این مرحله یک انسان بالقوه است و به درک مفاهیم فلسفی و عقلانی نائل می‌گردد. او همچنین به تعادل میان امور حسی و امور عقلی با کمک مرتبی و درک اتحاد نفس و بدن راه می‌یابد و در سفر دوم و سوم بعد از درک امور عقلی با محوریت مفاهیمی چون وحدت و علیت، به شناخت علت والعلل (باری تعالی) و آشنایی با مفاهیم توحیدی و دینی راه می‌یابد. بنابر این ایده، تربیت دینی و توحیدی به‌طور خاص در سفر دوم و سوم مطرح می‌گردد (به‌عنوان مثالی از زندگی شخصی ملاصدرا، حدود ۱۵ سالگی). یعنی بنابر این الگوی پیشنهادی پیش از آشنایی با امور حسی و امور عقلی (سفر اول و دوم) انتقال گسترده مفاهیم دینی و تربیت دینی به‌معنای عام آن (تا پیش از ۱۵ سالگی)، بی‌فایده است و مرتبی را از مسیر سفر دور می‌نماید. دوره ویژه سفر چهارم (از ۴۰ سالگی - دوره حضور مرتبی به‌عنوان مرتبی)، مرتبی دیگر از دو مرحله تمهید و اعتدال گذشته و از نفس نباتی و حیوانی عبور کرده و انسان بالفعل و آماده دریافت رسالت مرتبی‌گری خواهد بود. با توجه به مثالی از زندگی ملاصدرا این دوره مقارن با ۴۰ سالگی مرتبی می‌باشد. شخص ملاصدرا در حدود ۴۰ سالگی از سفر چهارم برای هدایت خلق باز می‌گردد. مرتبی در این سن به مرتبی نشانی از کفایت و لیاقت جهت مرتبی‌گری اعطا می‌نماید و رسالت خود را به‌صورت عملیاتی و حرفه‌ای به او واگذار می‌کند؛ به این‌صورت که مرتبی در این مرحله مرتبی خود را که به تعبیری آماده مرتبی شدن است به میان خلق باز می‌گرداند و به‌عنوان مرتبی جایگزین به مرتب‌یان خود معرفی می‌نماید تا با بینش حاصل شده از سفرهای قبلی با جهت حقی این بار به خلق باز گردد و دستگیر و مرتبی سایر مرتب‌یان شود و از تجربیات سفرهای پیشین خود بگوید. این مرحله را از این جهت مرحله عملیاتی نامیدیم که به مهارت‌های مرتبی در ارتباط عملی با خلق و به‌کارگیری ابعاد نظری حاصل از مراحل قبلی باز می‌گردد (رهاوردی برای تربیت مرتبی).

قطعاً این امر در همسفری مرتبی و متربی و در رابطه‌ای شخصی و دوطرفه میان مرتبی و متربی محقق می‌شود و نه در ساختاری عمومی و توده‌ای. در ادامه مستندات مربوط به ایده فوق آورده شده است.



شکل ۱. تناظر ایده اسفار اربعه ملاصدرا و مراحل تکامل نفس از منظر او (ایده محوری مقاله)

با توجه به ایده تناظر اسفار اربعه با مراحل تکامل نفس انسانی، در ادامه، وجوه کاربردی و دلالت‌های تربیتی اسفار اربعه صدرایی، مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳. طراحی سفرهای عینی متناظر با سفرهای روحی و فکری در متربیان به مثابه روش تربیتی (راهنمای عمل مربیان)

#### مقدمه اول بحث:

در بحث از تناظر سفرهای تربیتی به عنوان یک روش تربیتی، با توجه به بیان خود صدرا در ابتدا به مقدمه‌ای اشاره می‌کردیم و از آن نتیجه‌ای کلی گرفتیم و آنگاه از این نتیجه کلی، به عنوان مقدمه‌ای برای ایده روشی - تربیتی تناظر سفرهای عینی و فکری و روحی بهره بردیم. «...عالم مثال و عالم ماده، معلول عالم عقل و عالم بالا هستند (عالم ملکوت) و اگر کسی هنوز عقلش بالفعل نشده است و قدرت مشاهده ملکوت را ندارد و به حد کمال عقل نرسیده، چنان که بتواند عالم حقایق و عالم ملکوت و عقل را مشاهده کند، باید برای محروم نشدن از حقایق، به معلول‌ها و جلوه‌های عالم بالا که همان عالم مثال و ماده



است، توجه کند و به آن‌ها به‌عنوان حکایت‌گر عالم بالا التفات کند. در این حالت، او می‌تواند از مشاهده این معلول‌ها، به‌عنوان مخلوقات خداوند و معلول‌های عالم ملکوت، محروم نماند و رفته‌رفته شایستگی رویت عالم ملکوت را نیز بیابد؛ چون اگر همین مرحله نازل از حقایق را نیز ادراک و مشاهده نکند و به عالم ملک و ماده بی‌توجه باشد، برای همیشه محروم خواهد ماند. پس ما دارای علت و معلول و مفیض و مستفیضی هستیم و میان اینان نیز ارتباط وجود دارد. اگر کسی به علت و مفیض دست نیافت، خوب است معلول و مستفیض آن را با چشم خیال و ظاهر مشاهده کند تا پس از این با بصیرت، به علت و مفیض بنگرد. ثمره این مقدمه این است که هر جا روح رفت، بدن و قوای بدنی هم باید آن را مشایعت کند (اشاره به اصل رابطه اتحادی نفس و بدن). اگر روح به‌سمت حقیقت برود، بدن هم باید او را مشایعت کند و به‌سمت مثال برود و اگر روح به‌سمت علت و مفیض برود، بدن و قوای بدنی نیز او را مشایعت می‌کنند و به‌سوی مستفیض می‌روند. بنابراین، دو بعد وجودی انسان با هم سیر می‌کنند؛ بعد عقلی او عالم ملکوت را مشاهده می‌کند و بدن او نیز موجودات جهانی را به‌عنوان مخلوقات الهی. این هر دو بعد توجه می‌کنند تا زودتر به خداوند برسند. پس روح ما به‌سمت عالم ملکوت و جسم ما به طرف عالم ملکوت می‌رود. صدرالمآلهین می‌گوید:

«مگر نمی‌بینی زمانی که روح تو به عالم ملکوت روی آورد، بدنت به لرزه می‌افتد؟ این نشان می‌دهد که بین روح و بدن تو و بین حقیقت تو که که روح تو باشد و بدن تو که مثال تو باشد، رابطه وجود دارد. بیرون آمدن از خانه سکونت زمینی به‌سوی کعبه مقصود خداوند، زمینه‌ای است برای سیر در عالم معنا. روح، سیر به‌سوی عرش الهی دارد و بدن سیر به‌سوی مثال زمینی. بدن با احرام بستن و محروم کردن خود از شهوات حیوانی، روح را آماده می‌کند تا از «بیت نفس» به‌سوی کعبه مقصود و «بیت الله» حرکت کند، آن هم با نیتی خالص و با مجرد تام و خالی کردن بدن از لذت‌ها و آلودگی‌ها و سالک در این مسیر با طواف گرد کعبه مقصود و عبادت بر آستان حق، شبیه اشخاص عالیه و عقول کریمه تحت عرش الهی می‌شود. تمام موجودات در حال عبادت خداوندند. سالک طریق حج با حرکت‌هایی از سر عشق و به‌صورت دورانی، یادآور حرکت دوری و شوقی است که مثال و نمونه حرکت افلاک و عقول و فرشته‌های مقرب است؛ چون تمام آن‌ها با عشق و شوق و حرکت دوری به‌سمت او در حرکت هستند. آغاز سیر آن‌ها از مبدا کل - خداوند تعالی - بوده و نهایت این سیر نیز به‌سمت اوست...» (صدرالمآلهین، سال ۱۳۷۸، ص ۱۰۳).

**مقدمهٔ دوم بحث:**

(اشاره به تناظر سفرهای شخصی ملاصدرا در الگوی تربیتی خاص او به عنوان مثال)

زندگی علمی صدرالمتألهین، که بنا بر مقدمهٔ خود او بر اسفار شامل سه مرحله است، با «سفر» به پایتخت صفویه (اصفهان) آغاز می‌شود. ملاصدرا در اولین مرحله (سفر اول - جهت حقی) از زندگی علمی خود، به تعلم علوم عقلی و نقلی می‌پردازد. مرحلهٔ دوم (سفر دوم - جهت حقی) دوره‌ای است که در آن، به علت اوضاع و احوال نامساعدی که مخالفان فلسفه برای او پدید آوردند، کوشش‌های علمی خود را، اعم از تدریس و تألیف، و در یک کلام علوم رسمی را، رها کرد و به عزلت (قریه کهک قم) پناه برد و به دنبال آن، از درون متحول شد و یکسره به سیر و سلوک و ریاضت و مجاهدت و تصفیهٔ باطن پرداخت. ثمرهٔ این مرحله از زندگی او شهود حقایق عوالم بالاست، به طوری که حقیقت آن چه قبلاً با عقل و برهان درک کرده بود را، در این دوران، با چشم دل شهود کرد. این مرحله از زندگی علمی ملاصدرا که مقارن با تألیف «اسفار اربعه» است تا پیش از چهل سالگی او پایان می‌یابد. مرحله سوم و چهارم (سفر سوم و چهارم با جهت خلقی) دوره‌ای است که در آن، پس از فراگیری علوم عقلی و نقلی و تسلط کامل بر آن‌ها و پس از کشف حقایق عوالم بالا، به تعلیم حکمت و پرورش شاگردان و به تألیف آثار خود پرداخته است. در این مرحله است که حکمت متعالیه، که همان نظام فلسفی اوست، در قالب آثار متعدد و پیش از همه در قالب کتاب بزرگ اسفار متولد شد. (عبودیت، ۱۳۹۲: ۴۰).

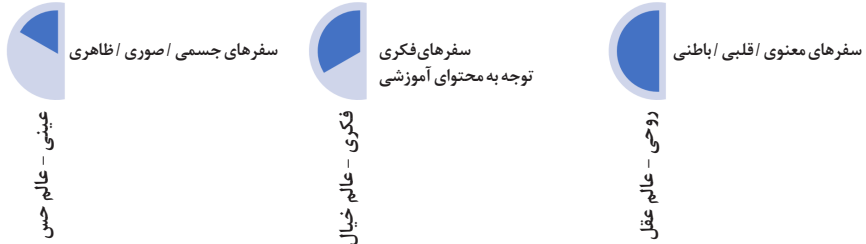
**نتیجهٔ بحث:**

(طراحی سفرهای عینی متناسب با وضعیت فکری و روحی متربی - دلالت کاربردی و راهنمای

عمل مربی)

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت؛ بنابه الگوی مد نظر ملاصدرا در زندگی شخصی و کتب او از جمله کتاب اسفار اربعه، ضروریست مربیان در تناظر با وضعیت فکری و روحی متربین، برای آن‌ها سفرهای عینی طراحی کنند تا متربی با قرار گرفتن در موقعیت عینی و واقعی، آمادهٔ سفرهای روحی و فکری شود. چنان که خود ملاصدرا با آمادگی اولیه عازم سفر از شیراز به اصفهان (در تناظر سفر فکری اولیه)، اصفهان به قم (در تناظر با سفر روحی و فکری ثانویه - گسستن از خلق و تمرکز بر حق)

و سپس از قم به حج شد و در نهایت در تناظر با سفر چهارم خود مجدد به شیراز (در تناظر با سفر روحی و فکری آخر - به‌عنوان مربی) بازگشت. لازم به ذکر است اساتید بزرگ او همچون شیخ اشراق در این سفرها همگام و همسفر او بوده‌اند و در حالات روحی و فکری مختلف او را همراهی می‌نمودند. البته اشاره به زندگانی و سفرهای ملاصدرا فقط به‌عنوان مثالی الهام بخش در تأیید تناظر سفرهای عینی و روحی مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب اسفار اربعه نیز چنان که در مقدمه اشاره کرده، در تناظر با سفرهای فکری و روحی، سفرهای عینی و واقعی ضروری می‌نماید. اصل تناظر خود می‌تواند به‌عنوان یک‌اصل تربیتی و روش تربیتی ویژه مورد توجه مربیان و متربین قرار گیرد به این صورت که مربی در طراحی برنامه تربیتی، یک برنامه تربیتی «سفرمحور» در تناظر سفرهای روحی و فکری و عینی با توجه به وضعیت تربیتی در نظر داشته باشد و در هر مرحله با مربی خود سفرهای گوناگونی را «همسفرانه» چه در قالب سفرهای خارجی و چه در قالب سفرهای درونی تجربه کند.



شکل ۲- تناظر سفرهای تربیتی و انواع حرکت انسان در عالم

### جمع‌بندی نتایج یافته‌ها:

فهم تربیت به‌مثابه سفر و انطباق عناصر وارکان تربیتی با ارکان و عناصر حرکت و سفر با توجه به منطق چهارم‌مرحله‌ای اسفار اربعه ملاصدرا، از تکثر واژگانی عرصه تربیت‌پژوهی می‌کاهد و در میان تکثر منابع معرفتی معطوف به موضوع تربیت، نوعی هم‌زبانی را میسر می‌نماید. به‌نحوی که تربیت‌پژوهان و مربیان و متربین، ارکان تربیت را حول مفهومی واحد مثل سفر درک می‌کنند و تربیت را در همسفری مربی و مربی می‌جویند و موانع و مراحل سفر و حرکت را به‌عنوان موانع و مراحل تربیت معرفی می‌نمایند. به این ترتیب ارائه تعریف از ارکان تربیت حول محور مفهوم سفر و حرکت میسر می‌شود چنان که

مرتبی را به محرک و همسفر و مرتبی را متحرک و مسافر و مسیر سفر را به عنوان مسیر تربیت معرفی می نمایند و از تعاریف کلیشه ای و حفظی در زمینه ارکان تربیتی پرهیز می کنند. درک تربیت به مانند نوعی سفر جهت دار (با وساطت مفهوم حرکت)، می تواند الهام بخش انواع فعالیت های پژوهشی تربیتی باشد و مرحله ای (در اینجا چهار مرحله ای) دیدن آن تبیین کننده مراحل رشد و آموزش متربیان در نسبت با مربیان خواهد بود که می تواند جهت دهنده پژوهش های آتی باشد. به عنوان مثال جهت تربیت یا «سفر تربیتی» در نسبت با جهت گیری شخصی مرتبی به عنوان راهنمای سفر و مرحله ای که مرتبی مسافر آن است، تکلیف تربیتی و مرکب ویژه ای را اقتضا می کند. این اقتضات شخصی مسافر و همسفر و ادبیات ویژه «تربیت به مثابه سفر» مسیر مشاهدات تجربی و عینی و پژوهش های کاربردی عرصه تعلیم و تربیت را هموار می نماید و لطافتی هنری ادبی را به عرصه برخی از پژوهش های خشک و کلیشه ای تربیتی باز می گرداند. درک رابطه مرتبی و مرتبی به عنوان «همسفر» و رابطه تربیتی به مثابه نوعی «همسفری» از نگاه های بالا به پایین و سلطه جویانه مرتبی نسبت به مرتبی می کاهد و همین رابطه همسفرانه مرتبی و مرتبی خود می تواند موضوعی جهت پژوهش های عرصه تربیت پژوهی باشد.

**دلالت کاربردی دیگر که می تواند راهنمای عمل مربیان باشد؛ عبارت است از «ارائه روش تربیتی چهار مرحله ای - حسی - عقلی - دینی - عملیاتی»؛** مرتبی می تواند با استفاده از ایده تربیت چهار مرحله ای متناسب با سنین رشدی مرتبی در حال تکامل از دوره پیش از سفر تا سفر چهارم، به طراحی روش تربیتی و محتوای آموزشی متناسب با وضعیت مرتبی در هر مرحله بپردازد. مرتبی در روند تربیت مرتبی با چهار مرحله و سفر تربیتی مواجه است.

دوره پیش از سفر (دوره جنینی) و دوره ویژه سفر اول (از ابتدای تولد تا ۱۵ سالگی - با توجه به مثالی از زندگانی ملاصدرا) را دوره تمهید و آمادگی برای درک متکثرات عالم و پرورش قوای حسی و جسمانی بدن در نظر گرفته می شود. در این مرحله مرتبی بر حضور مرتبی در طبیعت و مخلوقات برای درک وجودات متکثر و استفاده از حواس پنجگانه برای مشاهدات دقیق تأکید می نماید تا مرتبی به تدریج، ظرفیت درک مفاهیمی چون وجود و حرکت در پس امور متکثر و به ظاهر ثابت را بیابد. در این دوره مرتبی تدریجاً از حیات نباتی و حیوانی فاصله می گیرد و در مراحل تکامل نفس به سبک زندگی و حیات انسانی نزدیک می شود و از وجود و حقیقت واحد در پس امور متکثر و حرکت پرسش می نماید.

از باب واژگان مرتبط با ایده‌آ تکامل نفس، دوره پیش از سفر و سفر اول دوره تمهید و جسمانیة الحدوث بودن نفس نام دارد و نفس مرتبی با هدایت مربی و پرورش قوای حسی به سمت روحانیة البقا بودن حرکت می‌نماید. در مرحله و سفر دوم و سوم (از ۱۵ سالگی تا ۴۰ سالگی) نفس از دوره تمهید عبور می‌کند و دوره اعتدال و اعتلا وارد می‌شود. مرتبی در این دو سفر به تربیت عقلی و تهذیب نفس مرتبی اهتمام می‌ورزد. مرتبی در این مرحله یک انسان بالقوه است و به درک مفاهیم فلسفی و عقلانی نائل می‌گردد. او همچنین به تعادل میان امور حسی و امور عقلی با کمک مربی و درک اتحاد نفس و بدن راه می‌یابد و در سفر دوم و سوم بعد از درک امور عقلی با محوریت مفاهیمی چون وحدت و علیت، به شناخت علت و العلیل (باری تعالی) و آشنایی با مفاهیم توحیدی و دینی راه می‌یابد. بنابر این ایده، تربیت دینی و توحیدی به‌طور خاص در سفر دوم و سوم مطرح می‌گردد (به‌عنوان مثالی از زندگی شخصی ملاصدرا، حدود ۱۵ سالگی). یعنی بنابر این الگوی پیشنهادی پیش از آشنایی با امور حسی و امور عقلی (سفر اول و دوم) انتقال گسترده مفاهیم دینی و تربیت دینی به‌معنای عام آن (تا پیش از ۱۵ سالگی)، بی‌فایده است و مرتبی را از مسیر سفر دور می‌نماید. دوره ویژه سفر چهارم (از ۴۰ سالگی - دوره حضور مرتبی به‌عنوان مربی)، مرتبی دیگر از دو مرحله تمهید و اعتدال گذشته و از نفس نباتی و حیوانی عبور کرده و انسان بالفعل و آماده دریافت رسالت مربی‌گری خواهد بود. با توجه به مثالی از زندگی ملاصدرا این دوره مقارن با ۴۰ سالگی مرتبی می‌باشد. شخص ملاصدرا در حدود ۴۰ سالگی از سفر چهارم برای هدایت خلق باز می‌گردد. مرتبی در این سن به مرتبی نشانی از کفایت و لیاقت جهت مربی‌گری اعطا می‌نماید و رسالت خود را به‌صورت عملیاتی و حرفه‌ای به او واگذار می‌کند؛ به این صورت که مربی در این مرحله مرتبی خود را که به تعبیری آماده مرتبی شدن است به میان خلق باز می‌گرداند و به‌عنوان مربی جایگزین به مربیان خود معرفی می‌نماید تا با بینش حاصل شده از سفرهای قبلی با جهت حقی این بار به خلق باز گردد و دستگیر و مربی سایر مربیان شود و از تجربیات سفرهای پیشین خود بگوید. این مرحله را از این جهت مرحله عملیاتی نامیدیم که به مهارت‌های مربی در ارتباط عملی با خلق و به‌کارگیری ابعاد نظری حاصل از مراحل قبلی باز می‌گردد (رهاوردی برای تربیت مربی). قطعاً این امر در همسفری مربی و مرتبی و در رابطه‌ای شخصی و دو طرفه میان مربی و مرتبی محقق می‌شود و نه در ساختاری عمومی و توده‌ای.

دلالت تربیتی کاربردی سوم که می‌تواند راهنمای عمل مربیان و مدیران آموزشی باشد؛ مربوط به طراحی سفرهای عینی متناظر با وضعیت روحی و فکری مرتبی، توسط مربیان است. به این صورت که مربی در طراحی برنامه تربیتی، یک برنامه تربیتی «سفر محور» در تناظر سفرهای روحی و فکری و عینی با توجه به وضعیت مرتبی در نظر داشته باشد و در هر مرحله با مرتبی خود سفرهای گوناگونی را «همسفرانه» چه در قالب سفرهای خارجی و چه در قالب سفرهای درونی تجربه کند.

البته در طراحی سفرهای مذکور لازم است مرتبی جهت حرکت و سفر مرتبی خود را در نظر داشته باشد. این که مرتبی رو به سوی حق دارد و در سفر اول و دوم است و یا رو به سوی خلق دارد و در سفر سوم و چهارم است؛ در انتخاب نوع و مقصد سفر مؤثر است. به عنوان مثال در سفر اول که مرتبی باید غوطه وردر کثرت و حسیات باشد و در حالت انبساط روحی به لحاظ عینی با طبیعت و مخلوقات پیوند داشته باشد؛ بهتر است مرتبی او را به سفرهای مذهبی یا سفرهایی که رنگ بوی حق دارند؛ نبرد و بیشتر سفرهای تفریحی علمی طراحی کند و در سفر دوم، سوم و چهارم مرتبی که آماده غوطه‌وری در حق هست و از نظر روحی نوعی انقباض روحی و جدایی از خلاق را می‌طلبد؛ بهتر است با توجه به اقتضائات روحی و فکری مرتبی سفرهای مذهبی یا عرفانی طراحی شود. لازم به ذکر است ایده و نظریه «قبض و بسط تربیتی» از ایده‌های ویژه این پژوهش برای تربیت‌پژوهان است و حالات انقباض و انبساط روحی مربیان با توجه جهت حقی و خلقی سفر آنها باز می‌گردد و پژوهشی دیگر می‌طلبد.

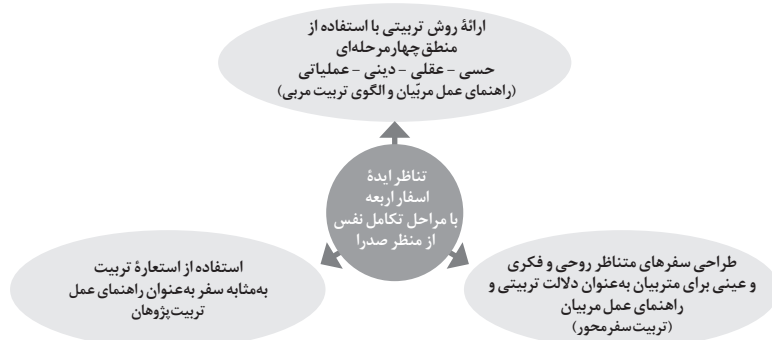
## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به ظرفیت‌های فلسفه صدرایی در استخراج دلالت‌های تربیتی و تناظر سفرهای تربیتی با مراحل تکامل نفس از منظر ملاصدرا که پیش از این مورد توجه پژوهشگران بوده است، ایده «فهم دلالت‌های تربیتی (کاربردی) اسفار اربعه ملاصدرا»، توجه نگارندگان را به خود جلب نمود و به‌منزله عنوان پژوهش انتخاب گردید.

بعد از عبور از مقدمه و طرح روش هرمنوتیکی به‌عنوان روش پژوهش، در متن اصلی، وجوه کاربردی و دلالت‌های تربیتی اسفار اربعه صدرایی در قالب تیترا و عناوین مشخص در زمینه‌های گوناگون: ۱. فهم تربیت به‌مثابه یک سفر چهارمرحله‌ای یا چهار سفر با دو جهت حقی و خلقی (راهنمای تربیت پژوهان)؛ ۲. ارائه روش تربیتی با استفاده

از منطق چهار مرحله‌ای اسفار اربعه صدرایی در تناظر با ایده تکامل نفس ملاصدرا (الگوی تربیت مربی) و ۳. طراحی سفرهای عینی متناظر با سفرهای روحی و فکری در مرتب‌ان به‌مثابه روش تربیتی (راهنمای عمل مرتب‌ان) مطرح شده‌اند.

در ساحت ساختاری، استفاده از استعاره «تربیت به‌مثابه سفر» و خاصه ایده سفرهای چهارگانه و چهار مرحله‌ای ملاصدرا به‌عنوان ایده‌ای جهت تربیت پژوهی معرفی گردید تا راهنمای عمل پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت باشد. در ساحت روشی ایده «ضرورت تناظر سفرهای عینی، روحی و فکری»، مطرح گردید و در تلاقی دو ایده با محتوای فلسفه صدرایی به ویژه ایده تکامل نفس او، روش تربیتی با استفاده از منطق چهار مرحله‌ای اسفار اربعه صدرایی ارائه گردید.



### شکل ۳. دلالت‌های تربیتی اسفار اربعه

ملاحظه ویژه پژوهش پیش رو که می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد این است که مخاطبان دقیق این دلالت‌ها و روش‌های مطرح شده متکی بر اسفار اربعه و به تعبیری ماهیت مرتب‌ان و مرتب‌ان لازم است به دقت مورد بررسی قرار گیرد. شاید از منظری این سبک تربیت را ویژه خواص و سالکان و از دسترس عموم خارج بدانیم اما با توجه به شواهدی که در کتاب اسفار اربعه ملاصدرا وجود دارد می‌توان امیدوار بود بخشی از این ایده‌ها نیز مفید تربیت همگانی و عمومی واقع شود که بررسی دقیق تر آن مجالی دیگر می‌طلبد.

## تشکر و قدردانی

بدین وسیله از کلیه صاحب‌نظران و اساتید محترم گروه مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز که محقق را در انجام این پژوهش یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

اشرفی سلطان احمدی، زینب، کیهان، جواد، ملکی آوارسین، صادق، یاری حاج عطالو، جهانگیر (۱۴۰۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش دبستانی. *الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی*. فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶(۱۸): ۷-۳۰.

اعرافی، علیرضا، موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. *دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی*، ۷(۱۴): ۷-۱۲.

پاپی، سمیه، هاشمی، جلال، ولوی، پروانه، صفایی مقدم، مسعود (۱۴۰). *الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی*. فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷(۲۳): ۷-۳۱.

حسن زاده کریم آباد، داود (۱۳۹۰). *اسفار اربعه در عرفان اسلامی*، ۱(۲).  
رهنما، اکبر (۱۳۹۱). *هرمنوتیک پدیدارشناختی به مثابه بنیانی روش شناختی در پژوهش های تربیتی*. سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.

صدر المتألهین، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). *اسفار اربعه* (مترجم: محمد خواجهی). تهران: انتشارات مولی، چاپ اول.

صدر المتألهین، محمد ابراهیم (۱۳۷۱). *الشواهد الربوبیه فی المنهاج السلوکیه* (مترجم: جلال الدین آشتیانی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.

عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۲). *درآمدی به نظام حکمت صدرایی*. قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

غلامی، سمیه، حسینی، محمد (۱۴۰۰). *بازنمایی تجربه زیسته والدین از چگونگی پاسخ دهی به سؤالات دینی فرزندان مقطع ابتدایی*. فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۶(۱۸): ۹۹-۱۲۲.

فهیم، محسن، عظیمی، سمیه، دولت آبادی، فاطمه (۱۳۹۴). *شناخت تربیت فلسفی از دیدگاه ملاصدرا*. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۹(۱): ۲۶۴-۲۵۳.

قاسمی، محمد سالم (۱۳۹۵). *اسفار اربعه در آینه آیات و روایات*. پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۳(۶): ۷۹-۹۶.

مصلح، جواد (۱۳۵۲). *علم النفس یا روان شناسی صدر المتألهین: ترجمه و تفسیر از سفر نفس کتاب اسفار*. تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.

نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۹). *پیامدهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا*. فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۶(۲۳): ۹۱-۱۱۲.

واعظی، احمد (۱۳۸۶). *درآمدی بر هرمنوتیک*. تهران: پژوهشگاه نشر و فرهنگ اسلام، چاپ اول.